شهرآرا
روزنامه شهروندی
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۱۳ مهر ۱۳۹۸
۶ صفر ۱۴۴۱
شماره ۲۹۳۹
۱۲
حوادث شهر

۶جلدپرونده و ۳متهم

قرار مجرمیت ادمین کانال‌های بی‌هویت مشهد صادر شد

چندی پیش برخی از کانال‌های بی‌هویت اقدام به توهین و تهمت به مدیران شهری مشهد می‌کردند و حالا این کانال‌ها ۶جلد پرونده و ۳متهم دارند و در همین راستا مهدی غلامی، قاضی شعبه ۷۷۲ دادسرای ویژه جرائم فضای مجازی و شهرسازی مشهد، در پاسخ به مشهدتریبون گفت: درباره پرونده‌ای که بعضی از شکات آن معاونان شهردار، مدیران شهری و اعضای شورای شهر مشهد و مدیران استانی بودند، بعد از تلاش‌های صورت‌گرفته متهم بازداشت و پس از تفهیم اتهام روانه زندان شد. وی با تودیع وثیقه آزاد شد، اما مشاهده گردید که کانال تلگرامی «خاوران» همچنان به فعالیت ادامه می‌دهد؛ لذا متهم ۴ یا ۵بار دیگر احضار شد و قرار وثیقه وی پس از تفهیم اتهام هر مرتبه تشدید گردید و در یکی از مراحل تشدید وثیقه متهم دوباره روانه زندان شد و تذکرات لازم به وی داده شد که این اقدامات منجر به متوقف شدن چند کانال تلگرامی با عناوین «افشا آنلاین» و کانالی جعلی منتسب به یکی از معاونان شهردار مشهد شد. پس‌ازآن کانال تلگرامی «خاوران» متوقف شد اما گردانندگان آن فعالیت را به‌نوعی به سمت کانال دیگری با عنوان مشابه منتقل کردند. وی افزود: درنهایت پس از بررسی‌های طولانی‌مدت و بررسی حدود ۲۰۰۰چت خصوصی متهم با افراد مختلف که در داخل و بیرون بدنه مدیریت شهری بودند، ادله الکترونیکی در آزمایشگاه پلیس فتا بررسی شد و متهم جعل رایانه‌ای کانال منتسب به معاون شهردار و کانال «خاوران» اتهامات را پذیرفت و درنهایت قرار نهایی صادر گردید و قرار مجرمیت «ح.ع» به دلیل اتهامات توهین، افترا و نشر اکاذیب، جعل رایانه‌ای و استفاده از داده مجعول صادر شد. اکنون پرونده آماده کیفرخواست و ارسال به دادگاه برای صدور حکم نهایی است.

قاضی غلامی ادامه داد: قرار مجرمیت «ح.ع» و ۲نفر از همدستان وی صادر شده است و مهم همین صدور قرار مجرمیت بود که صادر گردید و میزان شدت حکم پس از صدور کیفرخواست در دادگاه مشخص می‌گردد.

این مقام قضایی درباره میزان مجازاتی که در انتظار وی و افرادی که به این جرائم دست می‌زنند، گفت: اتهامات متهم ردیف اول «ح.ع» بیش از ۳فقره می‌باشد که مشمول ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی شامل تعدد جرم و برخورداری از حداکثر مجازات به اضافه نصف خواهد شد. وی بیان کرد: این قانون اشعار می‌دارد در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتکابی بیش از ۳جرم نباشد، دادگاه برای هریک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرائم ارتکابی بیش از ۳جرم باشد، مجازات هریک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هریک از موارد فوق، فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد. در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتکابی بیش از ۳جرم نباشد، تا یک‌چهارم و اگر جرائم ارتکابی بیش از ۳جرم باشد، تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌گردد. وی ادامه داد: کانال‌های تلگرامی «افشاآنلاین» و «خاوران» و همچنین کانال جعلی یادشده، ۳کانال مورد شکایت بودند که متوقف شده‌اند و «ح.ع» اظهار داشته که دیگر فعالیتی در رسانه‌های اجتماعی به‌غیراز دست‌نوشته‌های خود ندارد و کانال «شبکه خاوران» هم طبق اظهار متهم ردیف اول منتسب به او نیست. قاضی غلامی ضمن بیان اینکه پرونده متهم ردیف اول با توجه به شکایت‌های فراوان ۶جلد بوده است، بیان کرد: درباره دادگاه و حکم نهایی باید منتظر نتیجه دادگاه بود، اما احتمالا تا پایان سال حکم نهایی صادر خواهد شد.

قاضی غلامی تأکید کرد: در قرار نهایی که در دادسرا صادر شده است، ۲متهم دیگر هم داریم؛ به‌طوری که توهین، افترا و نشر اکاذیب برای متهم ردیف دوم سوم ذکر شده، اما متهم ردیف اول دارای جرائم توهین، افترا، نشر اکاذیب، جعل رایانه‌ای و استفاده از داده مجعول است.

توقیف ۵۰۰میلیون ریال سیگار قاچاق در مشهد

محمد حسن سیرجانی| آخر هفته گذشته طرح کنترل و پایش بازار مشهد از سوی رئیس شعبه گشت سیار سازمان تعزیرات حکومتی استان و بازرسان اتاق اصناف در سطح بازار مشهد و خصوصا در هسته مرکزی این کلان‌شهر به اجرا در آمد. پنجشنبه‌ای که گذشت ۵ هایپرمارکت بزرگ واقع در بولوار سجاد مشهد مورد بازرسی و بررسی عوامل تعزیرات و اتاق اصناف قرار گرفت که تخلف فروش کالای قاچاق در این واحدهای صنفی برای مجریان قانون محرز دانسته شد. به گفته رئیس شعبه گشت سیار تعزیزات خراسان رضوی در این طرح ضربتی مقدار ۵۰۰ میلیون ریال انواع سیگار که فاقد هرگونه بارنامه و مجوز گمرکی بودند از جمله سیگار مارلبرو یا برگ کشف و توقیف شدند.

قاضی امید جلیلی با اشاره به قیمت برخی از این سیگارهای توقیف شده بیان کرد که بعضی از این بسته‌های سیگار مکشوفه از سوی فروشگاه‌های متخلف ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان به فروش می‌رسیده است در همین باره پرونده تخلفی برای صاحبان ۵ هایپرمارکت در سازمان تعزیرات تشکیل شد. تحقیقات دراین‌باره ادامه دارد.

این مقام مسئول با بیان اینکه ماهانه ۲۰۰ پرونده در شعبه سیار گشت تعزیرات حکومتی خراسان رضوی مورد بررسی قرار می‌گیرد بیان کرد: از ابتدای امسال تا به همین امروز حدود ۱۸۰۰ پرونده تخلف به شعبه گشت تعزیرات حکومتی استان ارجاع گردیده و مورد بررسی قرار گرفته است که عمده تخلفات این پرونده‌ها مربوط به گران‌فروشی، تقلب و درج نکردن قیمت می‌باشد.

خیانت پدر و پسر باغی

سارقانی که با سوءاستفاده پسری جوان حساب پدرش را خالی کرده بودند، دستگیر شدند

سهیل دینا



اتهامشان فقط سرقت نبود و کارشناس پلیس فتا وقتی عنوان سرقت را در پرونده‌شان نوشت که در پرانتزی عنوان خیانت را هم قید کرد چرا که این پدر و پسر نه تنها حساب فردی دیگر را خالی کرده بودند، بلکه به سال‌ها اعتماد او هم چوب حراج زده بودند. ماجرای این پرونده سرقت همانند انبوهی دیگر از پرونده‌های برداشت غیرمجاز از حساب بانکی شهروندان در پلیس فتا تشکیل و با حضور شاکی تحقیقات قضایی آن آغاز شد. مال‌باخته که مانند شاکیان صدها پرونده باز دیگر پلیس فتا، ابتدا نمی‌دانست چگونه به حسابش نفوذ کرده‌اند و سرمایه یک عمر تلاشش را به تاراج برده‌اند پس از گذشت زمان کوتاهی از تحقیقات ابتدایی خیلی زود متوجه اشتباهش شد و دریافت که گام‌های اشتباهش و اعتماد به افرادی که هیچ شناختی از آن‌ها نداشته چگونه موجب بروز این مشکل شده است.

با اعلام شکایت این فرد که از اهالی شهرستان درگز بود و به دستور سرهنگ حسین احمدی، فرمانده انتظامی این شهرستان گروهی از کارشناسان پلیس فتا رصدهای خود را در حوزه بانکی به منظور مشخص شدن راز برداشت‌های غیرمجاز پنجاه‌وچهار میلیون تومانی آغاز کردند.

استعلام برداشت‌های بانکی نشان می‌داد که مقدار زیادی از این وجوه صرف خریدهای اینترنتی شده است و متهم یا متهمان به صورت مستقیم پس از خریدهای مختلف همچون شارژ خط تلفن همراه و کالا وجه آن را از حساب قربانی پرداخت کرده‌اند. مقداری از وجوه هم به حساب‌های مختلفی واریز و طی چندین نوبت جابه‌جا شده بودند به نحوی که به خیال خام سارقان، پلیس نتواند رد آن‌ها را در صورت شکایت صاحب حساب پیدا کند.

رسیدن به متهم ۴۰ساله

رصد دقیق کارشناسان پلیس فتا و جست‌وجو برای سرنخ‌های به جا مانده در فضای سایبری منتهی به شناسایی یک نفر از متهمان احتمالی این پرونده شد. این فرد که مردی چهل ساله است به پلیس فتا فراخوانده شد. مظنون چهل ساله که فکر می‌کرد هیچ مدرکی علیه او نیست و تنها برای چند سؤال و جواب ساده احضار شده است به پلیس فتا مراجعه کرد. او با این ادعا که نه گوشی آنچنانی دارد و نه از اینترنت سردر می‌آورد اتهامات وارده به خودش را بی‌اساس و کذب دانست. این در حالی بود که استعلام صورت گرفته از منابع بانکی نشان می‌داد یکی از افرادی که وجوه زیادی پس از چند دست چرخیدن به حسابش واریز شده، همین مرد چهل ساله بوده است.

افسر تحقیق پلیس وقتی از مظنون پرونده درباره منشأ این پول‌ها سؤال کرد این مرد جوان شروع به داستان سرایی نمود که حتی خودش هم نمی‌توانست آن‌ها را بپذیرد و در بازجویی‌های بعدی همین داستان‌ها که نتوانست دوباره آن‌ها را با جزئیات تعریف کند، مانند کلاف سردرگمی به دست و پایش پیچید و رسوایش کرد. متهم هر چه دست و پا می‌زد تا خود را از بند قانون رها کند اما بیشتر در مرداب دروغ‌هایش فرو می‌رفت سرانجام شواهد انکارناپذیر موجود همه چیز را درباره این پرونده رو ساخت و دیگر نتوانست بیشتر از آن به داستان سرایی‌هایش ادامه دهد، بنابراین به جرمش اعتراف کرد.

ورود پسر متهم به پرونده

با اعترافات متهم که اعلام کرد پسر جوانش هم در این سرقت‌ها او را همراهی کرده است، پسرش نیز دستگیر و به پلیس فتا منتقل شد. این پدر چهل ساله در اعترافاتش بیان کرد: «چندی پیش سر موضوع بانکداری الکترونیک با پسرم صحبت می‌کردم، در اثنای گفت‌وگو پسرم گفت که او اطلاعات حساب و رمزهای ورود کارت بانکی پدر دوستش را حفظ کرده و هر از چندگاهی با یکدیگر اقدام به خرید شارژ یا بازی‌های رایانه‌ای می‌کنند. وقتی این صحبت‌ها را از او شنیدم، نقشه سرقت‌ها به ذهنم رسید و آن را با پسرم مطرح کردم و برای ردگم‌کنی ابتدا اقدام به خرید اینترنتی کردیم و بعد هم مقداری از وجوه را به حساب‌های مختلف واریز کردیم و چندین بار این کار را تکرار کردیم، چون فکر می‌کردیم که با این روش هرگز شناسایی نخواهیم شد.»

با اعترافات صریح متهمان، این پدر و پسر سارق برای تعیین تکلیف نهایی به دادسرا معرفی شدند. اطلاعات هر کارت بانکی صرفا باید در اختیار خود فرد باشد و از واگذاری آن به دیگران و حتی اطرافیان نیز باید خودداری شود. اگر مجبور به واگذاری کارت بانکی به فرزندان یا سایر اعضای خانواده هستید، حتما از کارت‌های حاشیه‌ای استفاده کنید و کارت حساب اصلی خود را به دیگران ندهید، این‌ها را سرهنگ حسینی، فرمانده انتظامی درگز بیان می‌کند و معتقد است: یکی دیگر از روش‌های پیشگیری از این گونه سرقت‌ها، تغییر دوره‌ای رمزهای کارت بانکی یا دریافت رمز یک‌بار مصرف از بانک عامل است.

خبر

آتش ساختمان ۸طبقه را بلعید



سیرجانی| ظهر پنجشنبه ایستگاه ۴۶ سازمان آتش نشانی مشهد در جریان یک حریق مهیب در بلوار دانشجو قرار گرفت از همین رو تیم‌های اطفای حریق و امداد و نجات این استگاه بلافاصله وارد عمل شدند.

با حضور آتش نشانان در محل آتش سوزی و بررسی‌های مشاهده شد که ساختمان ۸ طبقه تجاری – اداری طعمه حریق شده و دود شدیدی ناشی از این آتش سوزی هم فضای بلوار را فرا گرفته است.

ماموران پس از ایمن سازی محل به مصاف با آتش سوزی نمای این ساختمان که در حال سرایت به فضای داخلی آن بود رفتند و با استفاده از تجهیزات اطفایی خود زبانه‌های حریق را فرو نشاندند.

این آتش سوزی تلفات جانی نداشت و هنوز علت آن مشخص نشده است.

یک کشته در واژگونی ال ۹۰



قرآنی| یک دستگاه خودروی سواری ال ۹۰ که در جاده تربت حیدریه در حال حرکت بود دچار سانحه و پس از انحراف از مسیر در شانه خاکی جاده واژگون شد.

با اعلام این حادثه رانندگی به مرکز فوریت‌های پلیسی و اورژانس بلافاصله تیم‌های انتظامی، پلیس راه و امدادی راهی محل شدند. در بررسی‌های اولیه مشاهده شد که در اثر وقوع این سانحه شدید، راننده و تعدادی از سرنشینان داخل این سواری محبوس و مصدوم شده‌اند که مأموران بلافاصله با استفاده از تجهیزات خود اقدام به رهاسازی آن‌ها کردند. به گفته سرهنگ امیدوار، رئیس پلیس‌راه خراسان رضوی این حادثه یک کشته نیز داشت که متوفی به دلیل نبستن کمربند ایمنی حین واژگونی از خودرو به بیرون پرتاب شده و در اثر جراحات وارده جانش را از دست داده است. علت این حادثه ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه از سوی راننده ال ۹۰ گزارش شده است.

پایانی ناخوش در جاده‌ها

گروه حوادث| با فرارسیدن ایام اربعین حسینی به مراتب جاده‌های کشور هم شلوغ و پر ازدحام می‌شود و به همین تناسب شرایط ترافیکی محورها نیز پرخطر خواهد شد. با توجه به اینکه تاکنون توصیه‌های بسیاری به رانندگان خصوصا رانندگان خودروهای سنگین شده است که در این ایام حتما به میزان لازم استراحت کنند و بعد از رفع خستگی به جاده بزنند اما همچنان افرادی یافت می‌شوند که برای رسیدن هرچه سریع‌تر به مقصد این توصیه‌های را پشت گوش می‌اندازند و موجب به بار آمدن یک فاجعه می‌شوند درست مثل دو حادثه رانندگی که در یکی از آن‌ها دو اتوبوس مسافربری در جاده شلمچه با یکدیگر شاخ به شاخ شدند و در دیگری یک اتوبوس مسافربری در جاده یزد واژگون شد. در اثر این دو حادثه متأسفانه ۲نفر جان باختند و ۵۶نفر زخمی شدند. با این حال با توجه به اینکه حجم بار ترافیکی در جاده‌ها با نزدیک شدن به اربعین حسینی افزایش می‌یابد نیاز است تا رانندگان دقت بیشتری به مقررات راهنمایی و رانندگی داشته باشند تا شاهد حوادث تلخ این‌چنینی نباشیم.



راه و بیراه

سرنوشتی که تباه شد

متین نیشابوری - در جلسه خواستگاری قرار شد چند دقیقه با هم صحبت کنیم. گوشه پذیرایی نشستیم و حرف زدیم. برایش شرط و شروط گذاشتم و آنچه به ذهنم می‌رسید را به زبان آوردم. سرش را پایین انداخته بود و به حرف‌هایم گوش می‌داد. وقتی حرف‌هایم تمام شد از او خواستم تا صحبت کند و از خودش بگوید. گر گرفته بودم و منتظر شنیدن حرف‌هایش بودم. خیلی آرام گفت: «حرف‌هایت را قبول دارم» با لبخندش به من فهماند آنچه گفته‌ام قبول کرده و نظرش با این ازدواج مثبت است. نفس عمیقی کشیدم و خیالم راحت شد. بعد از یک گفت‌وگوی کوتاه به جمع خانواده برگشتیم. آن‌ها از لبخندی که روی صورتمان نشسته بود همه چیز را فهمیدند و بعد هم به نشانه اینکه همه چیز تمام است کف زدند. پدرم می‌گفت: «پسرم زبانزد دوست و آشناست و در رفاقت و معرفت همتا ندارد» در آن لحظه پدر همسرم نیز با تأیید حرف‌های او گفت: «شکی در این موضوع نیست و ما هم به همین دلیل بی‌هیچ دغدغه‌ای جوابمان مثبت است» در همان جلسه بزرگ‌ترها قرار و مدار جشن و عروسی را گذاشتند و کمتر از دوهفته جشن عقدکنانمان برگزار شد. توپ عمو و عمه‌هایم از شنیدن این خبر خیلی پر بود. آن‌ها دختردار بودند و انتظار نداشتند پدرم از فامیل مادرم برایم زن بگیرد. ازدواج کردم و روزهای خوب زندگی‌ام شروع شد. دوران عقد را پشت سر گذاشتیم و با عشق و امید و انرژی که همسرم به من می‌داد حسابی کار می‌کردم. می‌خواستم همان مردی بشوم که او می‌خواست. زندگی مشترکمان را با حمایت‌های پدرم آغاز کردیم. با اینکه او بازنشسته است برایم سنگ تمام گذاشت و کمکم کرد خانه‌ای رهن کنم و خودم مغازه‌ای راه بیندازم. در دومین سال زندگی‌مان صاحب یک فرزند شدیم و این اتفاق خانه ما را به کاخ خوشبختی تبدیل کرد. حالا دیگر با این بچه، خانواده‌هایمان هم خوشحال بودند و بیشتر از قبل تحویلمان می‌گرفتند. اما ای کاش زمان برای ما در همان مرحله از زندگی متوقف می‌شد. نارفیقی سر راهم قرار گرفت و بدبختی‌هایم از همان موقع شروع شد. او زیاده‌خواه بود و سر به هوا همیشه به من می‌گفت: «تا چه زمان می‌خواهی قطره قطره پول در بیاوری و از صبح تا شب برای یک لقمه نان بخور و نمیر زجر بکشی» با اینکه همسرم قانع بود و مشکل خاصی نداشت، نمی‌دانم چرا تحت تاثیر حرف‌های دوستم قرار گرفتم و بدون مشورت با پدر و مادرم کارم را گسترش دادم. لقمه‌ای بزرگ‌تر از دهانم برداشته بودم برای همین حساب و کتاب‌هایم درست از آب در نیامد و زیر بار هزینه‌هایش ماندم. ماحصل این کار نسنجیده شکست بود. همه چیز را از دست دادم. تجربه بدی برایم بود چرا که پشتوانه‌ای هم برای جبران نداشتم ولی با همه این حرف‌ها همسرم کنارم ایستاد و صبوری کرد. او می‌گفت: «دوباره همه چیز را از نو می‌سازیم» حتی پیشنهاد داد مدتی در یک شرکت تولیدی مشغول کار بشوم اما غرورم اجازه نداد تصمیم درستی بگیرم. در جوابش می‌گفتم نمی‌خواهم کارگر دیگران باشم و آقا بالا سر داشته باشم. وارد کار قبلی‌ام شدم و با حمایت‌های عاطفی همسرم دوباره زندگی‌ام سر و سامان گرفت. همه چیز خوب پیش می‌رفت ولی تاثیر منفی شکست قبلی باعث افسردگی و احساس سرخوردگی‌ام شده بود. مدام خودم را به خاطر اشتباهاتم سرزنش می‌کردم. به جای اینکه با همسرم و خانواده‌ام درددل کنم با فردی که به تازگی با او آشنا شده بودم حرف می‌زدم. هیچ شناخت قبلی از او نداشتم و کنار مغازه من یک مغازه داشت. می‌گفت بی‌خیال دنیا باشم و زیاد به زندگی فکر نکنم. گاهی با هم این طرف و آن طرف می‌رفتیم تا اینکه او پایم را به خانه‌باغ یکی از اقوامش باز کرد. نمی‌دانم چطور شد من که تا به حال لب به سیگار نزده بودم پای بساط آن‌ها نشستم و هم دود شدم. همه چیز از همان روز شروع شد. اوایل فکر می‌کردم که مواد آرامم می‌کند و راندمان کاری‌ام را هم بالا می‌برد ولی نمی‌دانستم وابستگی شدید به آن رفته رفته زندگی‌ام را از هم می‌پاشد. با این اشتباه بزرگ زندگی‌ام را به آتش کشاندم. اوایل همسرم سعی کرد حمایتم کند تا خودم را از این منجلاب بیرون بکشم اما کار از کار گذشته بود و وابستگی شدید من به مواد حرف دیگری باقی نگذاشته بود. کارم را از دست دادم چون حال و حوصله‌ای برایم نمانده بود اوضاع زندگی‌ام هم روز به روز بد و بدتر می‌شد. کارم به جایی رسید که همسرم تقاضای طلاق داد و طولی نکشید که از هم جدا شدیم. او بچه را هم با خودش برد و بعد از چند وقت هم خبردار شدم که ازدواج کرده و زندگی خوبی هم دارد. با این وضعیت خانواده‌ام هم طردم کردند. با یکی از دوستانم که مثل خودم بود به شهر دیگری رفتیم و اتاقی کوچک کرایه کردیم و با کارگری خرجمان را در می‌آوردیم. درآمدمان تنها کفاف خورد و خوراکمان را می‌داد و جایی برای خرید مواد نمی‌گذاشت. بعد از مدتی به پیشنهاد دوستم تصمیم به سرقت گرفتیم. یادم نیست چند ماشین و چند مغازه را زدیم اما در چهارمین یا پنجمین سرقت لو رفتیم و پلیس هم شناسایی‌مان کرد برای همین احساس خطر می‌کردیم. از همان شهر دوباره به مشهد برگشتیم و سرقت‌هایمان را از نو شروع کردیم ولی تحت تعقیب پلیس بودیم و حین دزدی دستگیر شدیم. چه روزهای خوبی را پشت سر گذاشتم. شاید زندان بتواند نفس سرکشم را کمی رام کند و مرا به خود بیاورد. مغرور بودم. از افرادی که به هرشکلی دچار مشکل می‌شدند بد می‌گفتم و تا می‌توانستم آن‌ها را سرزنش می‌کردم. حالا خودم در منجلابی گرفتار شده‌ام که روزی عده‌ای را برای آن مورد سرزنش قرار می‌دادم. شب و روزم شده هزاران‌ای کاش که ای کاش در کنار همسرم بودم و کاش با پدرم مشورت می‌کردم و ...

سردار خلیل واعظی، فرمانده انتظامی بوشهر: **اعضای باند چهار نفره‌ای که با سندسازی در پروژه‌های دولتی مرتکب بیش از یک میلیارد تومان اختلاس شده بودند، دستگیر شدند. یکی از متهمان کارمند رسمی دولت و ۳نفر دیگر از مهندسان ناظر یک اداره دولتی هستند.**

